

معین اداری وزارت عدلیه معرفی گردید

عبدالرحمن عظیمی



معین اداری وزارت عدلیه روز شنبه ۱۳۸۹/۵/۹ به کارمندان این وزارت معرفی گردید.

در محفلی که جهت معرفی معین اداری وزارت عدلیه در مقر آن وزارت دایر گردیده بود، آقای څارنپوه حبیب الله غالب وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، قانونوال سید یوسف حلیم رئیس تقنین اسبق وزارت عدلیه را به عنوان معین اداری وزارت عدلیه به کارمندان این وزارت معرفی نمودند.

درین محفل آقای عدالتخواه معین اداری اسبق وزارت عدلیه، روسا و جمعی از کارمندان وزارت عدلیه نیز حضور داشتند. آقای غالب ضمن... ادامه درص ۳

معرفی قانون احزاب سیاسی

سید محمد رضا فخری

انسان‌ها از زمان های طولانی برای زندگی بهتر در کانون قبایل و طوایف با رعایت قوانین موضوعه خود می‌زیستند، و تا هنوز با تدوین برنامه‌های خوب زندگی به شیوه‌های مختلف ادامه می‌دهند، که پدیده حزب را می‌توان یکی از آن روش‌ها نام برد. راهکارها و پیشگیری خوب سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی یک جامعه هستند. بدون سلامت سیاسی، اجتماع و اقتصاد یک کشور بیمار خواهند بود. سلامت سیاسی یک جامعه دموکراتیک و نگاهبانی از دست آوردهای ملی و دموکراسی در آن جامعه، به شرکت مستمر و مستقیم افراد آن جامعه نیاز دارد؛ اما از آنجاییکه مردم به زندگانی خود مشغولند. در کنار درخواست، آرزوها برای سربلندی و سلامت میهن، دولت، و ملت خود؛ اولویت فکری مردم سربلندی و سلامت خانواده آنهاست، بدین جهت مردم نمی‌توانند انفرادی و یا در گروه‌های کوچک در امور مملکتی اثر گذار باشند. لذا وجود احزاب و گروه‌های بزرگ سیاسی دارای مرامنامه و اهداف عالی ملی و کشوری از اهمیت خاصی برخوردار است.

نخست باید بدانیم که حزب چیست؟ حزب عبارت است از گروهی از افراد، که به‌خاطر اهداف مشترک و اصول، برنامه‌ها، استراتژی و خط مشی‌های مشترک درون یک سازمان مشخصی به منظور رسیدن به اهداف مشترک و اجرای برنامه‌ها، اصول، استراتژی‌ها و خط‌مشی‌ها گرد هم آمدند. بنابراین حزب چند جزء دارد: وجود اهداف، برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک سازمان و یک تشکل. مهمترین هدف تمامی احزاب عبارت از کسب قدرت سیاسی است، هیچ حزبی انکار نمی‌کند که به دنبال کسب قدرت نیست و کسب قدرت امر ناپسند تلقی نمی‌شود. لذا ابزارهای مهم تهیه شده که یکی از ابزارهای کارآمد در زمینه حزب است.

تجارب سال های گذشته کشورما نشان می‌دهد که اکثر فعالان سیاسی به ایجاد احزاب جداگانه دست زدند، تاجیکه در حدود (۱۱۰) حزب سیاسی در کشور ما ایجاد گردید و احزاب با جمع‌آوری یک تعدادی از مردم صاحب یک حزب سیاسی می‌شدند. از اینرو متأسفانه احزاب سیاسی در افغانستان نتوانستند کار مثبت سیاسی خوبی داشته باشند.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان قانون جدید احزاب سیاسی را در روشنی حکم ماده (۳۵) قانون اساسی به منظور توضیح طرز تاسیس، نحوه فعالیت، حقوق، وجایب و انحلال احزاب سیاسی در (۵) فصل و (۲۵) تصویب و وضع نموده است. فصل اول این قانون تعریف حزب سیاسی آمده است. حزب سیاسی به مفهوم این قانون جمعیت سازمان یافته است از اشخاص حقیقی که طبق احکام این قانون و اساسنامه مربوط، برای نیل به اهداف سیاسی در سطح ملی و محلی فعالیت می‌نماید.

در فصل دوم این قانون در رابطه به تاسیس و ثبت احزاب سیاسی که شامل تعدد احزاب، تاسیس حزب آزادی فعالیت، فعالیت ممنوعه، دفتر مرکزی حزب، مرجع ثبت، رد ثبت احزاب، حق مراجعه به محکمه، آغاز فعالیت حزب، حقوق حزب ثبت شده و عضویت حزب توضیح داده شده است. در قانون جدید وقتی یک حزب سیاسی در وزارت عدلیه ثبت و رجاستر می‌شود حد اقل باید ۱۰ هزار فورمه داوطلبان را حاضر کنند. در پهلوی آن باید حزب مذکور در ۳۴ ولایت نماینده داشته باشد، سن هر نماینده باید حد اقل از ۲۵ سال کم نباشد و باید حد اقل سند بکلوریا داشته باشند. مطابق این قانون اتباع افغانستان که سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشند، می‌توانند عضویت حزب سیاسی را حاصل نمایند و یک شخص نمی‌تواند... ادامه درص ۲

عقد بیع

تبع و نکارش: عبدالرحمن عظیمی

برای این که عقد بیع صحت پیدا نماید رعایت یک سلسله شرایط و ارکان ضروری می‌باشد. که ذیلاً شرح می‌گردد:

هر عقد بر اساس ایجاب و قبول منعقد می‌گردد طوری که اکثراً ایجاب از جانب فروشنده و قبول توسط خریدار صورت می‌گیرد

در عقد بیع، ایجاب و قبول معنی ابراز اراده در ملکیت قرار دادن و مالک شدن را افاده نموده. و اندازه شئی که بفروش می‌رسد و بدل آن معین و مشخص شده و مقصد بیع دانسته شود.

در عقد بیع باید شئی که... ادامه درص ۲

در مقابل پرداخت پول در تصرف و ملکیت خویش می‌آورد، مشتری گفته می‌شود.

۲- بیع صرف عبارت از بیع پول در مقابل پول می‌باشد. طوری که بیع ۱۰۰۰ دالر امریکائی در مقابل ۵۰۰۰ افغانی معامله صورت گیرد. در این حالت پول بدل پول قرار داده می‌شود.

۳- بیع مقایضه عبارت بیع جنس به جنس می‌باشد طوری که شخص در بدل در ملکیت آوردن منزل مسکونی شخص دیگر، موتر ملکیت خویش را به وی واگذار می‌گردد در مقابل و منزل مسکونی را مالک می‌شود.

عقد بیع، بعضی انواع و شرایط آن:

عقد بیع عبارت است از در ملکیت آوردن شی یا منفعت آن از طرف فروشنده به خریدار در مقابل معاوضه مال که مورد معامله بیع قرار گرفته بتواند. بیع به انواع اشکال مختلف صورت می‌گیرد.

انواع بیع: بیع سه نوع می‌باشد: بیع مطلق، بیع صرف و بیع مقایضه.

۱- بیع مطلق: عبارت از بیع شی در مقابل پول می‌باشد طوری که یک شخص شی ملکیت خویش را در مقابل پول به شخص دیگری می‌سپارد، مالک مال مبیعه را با بیع و شخص که مال را

جرم عقیم و مستحیل

تبع و نکارش: فیضی الله خواجه امانی

مستحیل نسبی و دیگری مستحیل مطلق.

۱- مستحیل نسبی: در مثال فوق دیدیم که موضوع جرم که همان کیسه بری باشد وجود داشت وسیله آن یعنی شخصی کیسه بر و جانب مقابل موجود بود تا به نتیجه برسد البته با اندک تغییر مثلاً هرگاه در جیب شخص پول می‌بود و کیسه بر پول را اخذ می‌کرد به نتیجه رسیده بود اینکه پول به جیب شخص نبود جرم مستحیل نسبی بوجود آمد.

۲- مستحیل مطلق: در جرم مستحیل مطلق اگر دقت شود وسیله که ارتکاب آن بکار برده می‌شود نسبت عدم صلاحیت آن در حکم عدم قرارداد شده. این نوع جرم مستحیل مطلق نامیده می‌شود. مثلاً شخصی بالای شخصی فیر می‌نماید به فکر اینکه شخص به خواب است تا او را به قتل برساند اما شخص قبلاً فوت کرده است. ... ادامه درص ۲

عقیم و جرم مستحیل در تعریف مذکور دیده می‌شود اینست که در این جرم از رهگذر عوامل مربوط به موضوع جرم یا وسایل استعمال آن مستحیل می‌باشد مثلاً کیسه بر دست خود را به جیب شخص می‌نماید تا پولهایش را نمی‌باشد و کدام چیزی بدستش نمی‌آید در این مثال می‌بینیم که با اندک تفاوت در ظروف و چگونگی واقعه که مانع رسیدن به نتیجه می‌گردد نزدیکی جرم مستحیل با جرم عقیم مشاهده می‌گردد.

جرم مستحیل به دو قسم است یکی

(هر عملی که به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه ایکه ارتکاب آن از رهگذر عوامل مربوط به موضوع جرم یا وسایل استعمال مستحیل باشد شروع به جرم شمرده می‌شود. مشروط بر اینکه عقیده مرتکب در احداث نتیجه جرمی ناشی از اشتباه یا جهالت مطلق نباشد)

۲- جرم مستحیل: در فقره دوم ماده (۲۹) قانون جزا جرم مستحیل چنین تعریف شده است. (هر عملی که به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه ایکه ارتکاب آن از رهگذر عوامل مربوط به موضوع جرم یا وسایل استعمال مستحیل باشد شروع به جرم شمرده می‌شود. مشروط بر اینکه عقیده مرتکب در احداث نتیجه جرمی ناشی از اشتباه یا جهالت مطلق نباشد)

از مطالعه ماده فوق بر می‌آید که جرم مستحیل را یک نوع از جرم عقیم وانمود کرده مجرم در این جرم هم تمام حرکات مجرمانه خود را جهت رسیدن به هدف انجام می‌دهد اما نتیجه از اثر خارج از اراده مجرم بدست نمی‌آید. اما فرق که بین جرم

۱- جرم عقیم - عبارت است از اجرای کامل فعل که آثار آن متوقف نگردیده بلکه بعد از بکار بردن تمام حرکات مجرمانه مجرم جهت رسیدن به هدف یا نتیجه آثار آن خنثی گردد. به این مفهوم که در جرم عقیم مجرم تمام قدرت خویش را در این راه مصرف می‌نماید. مثلاً کیسه بری که دست خود را به جیب شخص داخل نموده پول های آنرا می‌گیرد پیش از آنکه در جیب خود بیاندازد صاحب پول دست کیسه بر را محکم گرفته پولها را از نزدش باز می‌گیرد. یا مثلاً شخصی با تفنگچه بالای شخصی دیگری فیر می‌نماید تا او را به قتل برساند اما مرمی خطا می‌شود یا اگر به شخصی می‌خورد او را مجروح می‌سازد یعنی سبب مجروح شدنش می‌شود نه باعث قتلش که این همه جرم عقیم است. زیرا جرم پیش از آنکه به نتیجه برسد خارج از اراده مجرم توسط عوامل بیرونی خنثی می‌گردد.

عقد بیع ...

.../ بفروش می رسد وجود داشته باشد شی که موجود ویا موجودیت آن ممکن نباشد مورد بیع قرار نمی گیرد. و ضمناً مال که مورد بیع قرار می گیرد باید قیمتی باشد. چیزهای که شرعاً و قانوناً قیمت آن جواز ندارد، مورد بیع قرار گرفته نمی تواند مثلاً خرید و فروش گوشت خنذیر و شراب که در دار اسلام قیمت ندارد مورد بیع قرار گرفته نمی تواند. وهمچنان شی که مورد بیع قرار می گیرد برای مشتری قابلیت تسلیم دهی را داشته و مشتری نسبت به آن علم داشته باشد در غیر آن بیع جایز نمی گردد.

در صورت که مشتری نسبت به شی که مورد بیع قرار می گیرد علم داشته باشد، نمی تواند بیع را باطل نماید. مگر این که در عقد با بیع فریب فاحش را بکار برده باشد.

در بعضی حالات شی که مورد بیع قرار می گیرد نزد مشتری موجود

و معلوم نمی باشد. بنا جهت معلومات لازمه ضرور است مشتری به اوصاف و مشخصات آن علم داشته باشد. در غیر آن بیع جایز دانسته نشده و قابل ابطال میباشد.

به هر صورت در معاملات خرید و فروش بعضاً طوری واقع می شود که طرفین عقد حین عقد بیع، آنچه مورد معامله قرار می گیرد به چشم دیده نمی باشند، عقد بیع جایز می گردد. و این در صورت است

که جنس و وصف شی در حین عقد ذکر شده باشد ویا بطرف شی ویا مکان که آن شی قرار دارد اشاره صورت گرفته باشد. بیع جایز گردیده اما این بیع با وجود که جایزی باشد. بالای مشتری قبول آن الزامی نمی باشد. مشتری می تواند در صورت عدم موافقت، آن را باطل نماید. چرا که دیدن شی که مورد بیع قرار می گیرد برای مشتری شرط می باشد. مگر اینکه مشتری شی را قبلاً دیده و متیقن باشد که شی مورد بیع همان شی ای است که قبلاً وی دیده است.

اما شخصی که مالی را نا دیده خریداری می نماید تا وقت دیدن آن با وجود یکه به خرید آن شفاء رضایت نشان داده باشد برای آن اختیار داده می شود، در صورت عدم موافقت می تواند از خرید آن منصرف می شود. اما شخصی که مالی را نا دیده خریداری می نماید تا وقت دیدن آن با وجود یکه به خرید آن شفاء رضایت نشان داده باشد برای آن اختیار داده می شود، در صورت عدم موافقت می تواند از خرید آن منصرف می شود.

از فحوی این ماده دانسته می شود که ناپیدا در صورت که شی را لمس کند ویا

ببوید ویا بچشد ویا توصیف که از شی صورت می گیرد قبول نماید. ویا هم

نابینا برای خرید مالی کسی را وکیل انتخاب نموده باشد، رضایت آن در عقد ثابت گردید باشد، نمی تواند تقاضای فسخ ویا ابطال آن را بنماید. هدف از بیان مطا

لب فوق این است تا طرفین عقد بیع حین انعقاد دقت لازم نمایند تا در آینده بعد از انعقاد عقد بین شان منازعه و جنجال رونما نگردد.

... ادامه دارد

جرم عقیم و مستحیل ...

شروع به جرم دانسته قابل مجازات می داند. که این پیش بینی در مورد جرم مستحیل نسبی و جرم عقیم صدق پیدا می کند اما در جرم مستحیل مطلق آنقدر صدق نداشته چنانچه در این مورد اختلاف علمای حقوق هم در زمینه وجود دارد. با پیروی از این نظریات مختلف عده از کشورها به حیث شروع کننده در قوانین جزائی شان پیش بینی نموده اند و عده دیگری از کشورها در این باره سکوت اختیار نموده اند. از جمله مکاتب فلسفی که یکی مکتب کلاسیک و دیگری مکتب وضعی باشد نظریات مختلف در زمینه ابراز گردیده است. مثلاً فویر باخ

.../ یا مثلاً با تفکجه که مرمی ندارد فیر می نماید اما نسبت نبودن مرمی فیر صورت نمی گیرد یا بمب را بالای حریفانش می اندازد که اصلاً بمب انفجار نمی کند که این نوع حرکات مجرمانه خلاف اراده مجرم نتیجه نداده این نوع جرم را مستحیل مطلق گفته می توانیم. اگر کمی با دقت دیده شود جرم مستحیل مطلق باید قابل مجازات نباشد زیرا جرم مستحیل نسبی مشابهاً به جرم عقیم دارد اما جرم مستحیل مطلق مشابهاً به جرم عقیم نداشته قانون گذار کشور ما گرچه هر دو نوع جرم عقیم و مستحیل را

شروع به جرم دانسته قابل مجازات می داند. که این پیش بینی در مورد جرم مستحیل نسبی و جرم عقیم صدق پیدا می کند اما در جرم مستحیل مطلق آنقدر صدق نداشته چنانچه در این مورد اختلاف علمای حقوق هم در زمینه وجود دارد. با پیروی از این نظریات مختلف عده از کشورها به حیث شروع کننده در قوانین جزائی شان پیش بینی نموده اند و عده دیگری از کشورها در این باره سکوت اختیار نموده اند. از جمله مکاتب فلسفی که یکی مکتب کلاسیک و دیگری مکتب وضعی باشد نظریات مختلف در زمینه ابراز گردیده است. مثلاً فویر باخ

.../ یا مثلاً با تفکجه که مرمی ندارد فیر می نماید اما نسبت نبودن مرمی فیر صورت نمی گیرد یا بمب را بالای حریفانش می اندازد که اصلاً بمب انفجار نمی کند که این نوع حرکات مجرمانه خلاف اراده مجرم نتیجه نداده این نوع جرم را مستحیل مطلق گفته می توانیم. اگر کمی با دقت دیده شود جرم مستحیل مطلق باید قابل مجازات نباشد زیرا جرم مستحیل نسبی مشابهاً به جرم عقیم دارد اما جرم مستحیل مطلق مشابهاً به جرم عقیم نداشته قانون گذار کشور ما گرچه هر دو نوع جرم عقیم و مستحیل را

وقف ...

ام پس چی مشوره می دهید که با آن زمین چه کاری کنم؟

رسول اکرم (ص) گفت: اگر خواسته باشی می توانی اصل آن را نگاه و منفعت آن را صدقه نمایی»

حضرت عمر (رض) آن زمین را با پیروی از فرموده پیامبر (ص) وقف فقرا و محتاجین و مساکین نمود. علاوه بر این در رابطه نظر اجماع نیز وجود دارد که بنا بر صراحت نص قرآن و احادیث شریف ضرورت ذکر آن نیست.

بنابر حکم قانون مدنی وقف، دارای شخصیت حکمی است که توسط اساسنامه تثبیت شده است از لحاظ حقوق و وجایب مالی مستقل می باشد. برای واری از امور مربوط به وقف، اداره دولت به نام اوقاف وجود دارد که عواید و مصارف آن را مطابق به شرایط لازم وقف و اساسنامه آن اداره و مراقبت می نماید.

.../ ولد صالح که بعد از مرگش برایش دعا می کند.

برخی از علما صدقه جاریه را به وقف تفسیر نموده اند. زیرا آنها می گویند آنچه از حدیث فهمیده می شود این است که عمل میت به مرگ او قطع می شود. رساندن ثواب و خیر نیز از وی قطع می گردد به جز از همین سه چیز که اجر و ثواب آن جاری می باشد.

احادیث زیادی در مورد است از جمله حدیث ابن عمر (رض): که اولین وقف در اسلام در دوره حیات پیامبر (ص) واقع شده است. حدیث مبارک: «حضرت عمر (رض) زمینی را در خیر به دست آورد و گفت:

ای پیامبر خدا زمینی در خیر برایم دست داده که الحال چنین دارایی نفیس و با ارزش را به دست نیاورده

در دانه فضائی

تقسیمات عقود

قسمت دوم

که خللی در ارکان اصلی و یا یکی از شرایط مقرر شرعی و قانونی آن وجود داشته باشد. عقد مزبور موجب ایجاد اثر و نتیجه حقوقی مطلوب نمی شود مانند بیع گوشت حیوان مرده، خون، شراب و غیره. عقد غیر صحیح به عقد باطل و عقد فاسد تقسیم می شود.

الف - عقد باطل:

نظر به صراحت ماده ۶۰۹ قانون مدنی کشور عقد باطل عبارت از عقدی است که رکن یا شرطی از شرایط آن موجود نباشد، عقد باطل پنداشته می شود. این امر در ماده ۶۱۳ قانون مدنی کشور صراحت دارد که: عقد باطل آنست که اصلاً و و صفاً غیر مشروع باشد. مانند اینکه یکی از عاقدین فاقد اهلیت باشد مانند مجنون یا طفل غیر ممیز یا ممیزی که عقد به ضرر و زیان وی تمام شود. یا مال متقوم نباشد مانند شراب، ماهی در درون آب یا خرید و فروش اموال عامه مانند قسمتی از سرک یا مسجد. ها کذا

در قانون مدنی ماده ۶۳۷ در مورد عقد موقوف چنین می نگارد:
(۱) عقد موقوف غیر نافذ، فاقد اثر حقوقی بوده، ثبوت ملکیت از آن افاده نمی گردد. مگر با اجازه شخصیکه بر موضوع عقد و تصرف در آن صاحب صلاحیت بوده و اجازه وی دارای جمله شرایط صحت باشد.
(۲) عقد اشخاص ذیل موقوف پنداشته می شود:
۱- فضولی.
۲- بائعیکه عین مال را بار دیگر به شخص غیر مشتری، بفروشد.
۳- غاصب.
۴- نایب یا وکیل نایب که از حدود معینه نیابت، عدول نماید.
۵- مالک عین مرهونه.
۶- مالک اراضی به زراعت داده شده، در حالیکه بذر از زارع باشد. مگر اینکه در قانون خاص طور دیگر حکم شده باشد.
۷- مریض مرض موت که به وارث خود بفروشد.
۸- وصی مختار که به وارث خود بفروشد.
۹- وارث که به مورث مریض در مرض موت بفروشد.
۱۰- وارثیکه متروکه مستغرقه بدین را بفروشد.
۱۱- صغیر ممیز.
۱۲- معتوه ممیز.
۱۳- سفیه.
۱۴- مبتلا به غفلت.

ب - عقد فاسد:

در مورد عقد فاسد قانون مدنی در ماده ۶۲۰ قرار ذیل تصریح نموده است: عقد فاسد آنست که اصلاً مشروع و و صفاً غیر مشروع باشد، به نحویکه اصلاً صحیح بوده و در رکن و موضوع آن خللی وجود نداشته باشد. مگر به اعتبار بعضی اوصاف خارجی فاسد باشد. به عبارت دیگر عقد فاسد آنست که اصل آن مشروع و وصف آن نامشروع بوده باشد طوریکه متعاقدين واجد اهلیت حقوقی باشند ولی عقد دارای وصفی باشد که شرع از آن نهی کرده است مانند بیع مجهول که موجب بروز نزاع و کشمکش بین عاقدین گردد مانند فردی که چندین موتر دارد و یکی از آنها را بدون تعیین و مشخص نمودن به دیگری بفروشد. عقد فاسد را ماده ۶۲۱ قانون مدنی کشور چنین توضیح می نماید: عقد فاسد ملکیت معقود علیه را افاده نمی کند، مگر اینکه قبض به رضای مالک آن صورت گرفته باشد.

ب - عقد موقوف:

قاموس اصطلاحات حقوقی در مورد عقد موقوف چنین نگاشته عقد موقوف عبارت از عقدی است که تنفذ آن منوط به پذیرش و یا عدم پذیرش شخصی باشد که صلاحیت قانونی و شرعی انعقاد آنرا دارا می باشد نه کسیکه آنرا مباشرتاً (مستقماً) عقد نموده است. به عبارت دیگر عقد موقوف عبارت از عقدی است «که از شخصی دارای اهلیت معامله و بدون بر خوردار از ولایت انجام، صادر شود مانند عقد فضولی و عقد صغیر ممیز در اموری که احتمال سود و زیان در آن تصور باشد.» اندیشمندان علم حقوق بر این عقیده اند که این عقد فاقد اثر حقوقی بوده و ثبوت ملکیت از آن افاده نمی گردد مگر به اجازه شخصی که بر موضوع عقد و تصرف در آن صاحب صلاحیت بوده و اجازه وی دارای جمله شرایط صحت باشد.

در قانون مدنی ماده ۶۳۷ در مورد عقد موقوف چنین می نگارد:

(۱) عقد موقوف غیر نافذ، فاقد اثر حقوقی بوده، ثبوت ملکیت از آن افاده نمی گردد. مگر با اجازه شخصیکه بر موضوع عقد و تصرف در آن صاحب صلاحیت بوده و اجازه وی دارای جمله شرایط صحت باشد.
(۲) عقد اشخاص ذیل موقوف پنداشته می شود:

۱- فضولی.
۲- بائعیکه عین مال را بار دیگر به شخص غیر مشتری، بفروشد.
۳- غاصب.
۴- نایب یا وکیل نایب که از حدود معینه نیابت، عدول نماید.
۵- مالک عین مرهونه.
۶- مالک اراضی به زراعت داده شده، در حالیکه بذر از زارع باشد. مگر اینکه در قانون خاص طور دیگر حکم شده باشد.
۷- مریض مرض موت که به وارث خود بفروشد.
۸- وصی مختار که به وارث خود بفروشد.
۹- وارث که به مورث مریض در مرض موت بفروشد.
۱۰- وارثیکه متروکه مستغرقه بدین را بفروشد.
۱۱- صغیر ممیز.
۱۲- معتوه ممیز.
۱۳- سفیه.
۱۴- مبتلا به غفلت.

(۲). عقد غیر صحیح:

عقد غیر صحیح عبارت از عقدی است

معرفی قانون احزاب سیاسی...

انحلال حزب توسط محکمه، رسیدگی به درخواست انحلال، مطالبه رد قضات، حق شرکت رهبر حزب در جلسه محکمه و ذکر دلایل انحلال حزب در فیصله به صورت واضح معلومات داده شده است.

احکام نهایی در فصل پنجم این قانون آمده است که شامل مراحل ثبت حزب، منع استفاده از موقوف حزبی و انفاذ مطالب می گردد. در قسمت انفاذ آن در ماده بیست و پنجم تصریح گردیده که این قانون از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ و با انفاذ آن قانون احزاب سیاسی منتشره جریده رسمی شماره (۸۱۲) مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۶ ملغی شمرده می شود.

قوای مسلح و وابستگی سیاسی و تمویل از منابع خارجی».

حقوق احزاب سیاسی در ماده دوازدهم این قانون چنین صراحت دارد: «فعالیت سیاسی مستقل، اتحاد یا ائتلاف سیاسی موقت یا دائمی با سایر احزاب سیاسی، ابراز نظر آزاد و علنی به صورت شفاهی یا تحریری در مورد مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و گردهم آیی صلح آمیز، تاسیس ارگان نشراتی مستقل، دسترسی به رسانه های جمعی به مصرف حزب سیاسی، معرفی کاندید در تمام انتخابات، استفاده از سایر حقوق مطابق اهداف و وظایف مندرج اساسنامه».

در فصل سوم این قانون موضوع امور مالی که شامل شفافیت منابع

.../ همزمان عضویت پیش از یک حزب سیاسی را کسب نماید. که بعد از تصویب قانون جدید در حدود (۲۶) حزب جدید راجستر گردیده است.

مطابق ماده ششم این قانون احزاب سیاسی فعالیت های ذیل را انجام داده نمی توانند: « پیروی از اهداف مناقض احکام دین مقدس اسلام و ارزش های مندرج قانون اساسی افغانستان، استفاده از قوه یا خشونت یا تهدید یا تبلیغ استفاده از قوه، تحریک به تعصبات قومی، نژادی، مذهبی یا سمتی، ایجاد خطر مشهود در برابر حقوق و آزادی های افراد و برهم زدن عمدی نظم و امنیت عامه، داشتن تشکیلات نظامی یا ثباتی مستند با نیروهای

عقد شرکت از دیدگاه قانون ...

.../ در ماده ۱۲۱۶ عقد شرکت را به این صورت تعریف کرده است: «شرکت عبارت از عقدیست که به موجب آن دو یا زیاده اشخاص تعهد می نمایند تا در به کار انداختن یک فعالیت مالی به پرداخت مقدار مال یا انجام عمل یا اعتبار طوری سهیم شوند که مفاد و خساره به اساس موافقه که میان آنها صورت گرفته، توزیع شود.»
فرق در میان شرکت تضامنی و عقد شرکت این است که عقد شرکت تضامنی در دفتر مرکزی ثبت می گردد.
قانون شرکت های تضامنی در ماده بیست و هفتم خویش ثبت را چنین تعریف کرده است.» ثبت عبارت از ثبت در دفتر ثبت مرکزی می باشد. دفتر ثبت مرکزی به مفهوم این قانون اداره ای است که در چوکات وزارت تجارت و صنایع اسناد مربوط به شرکت ها در آن ثبت می گردد.
عقد شراکت به اساس یک سلسله شرایط خاص منعقد می گردد. چنانچه در ماده بیست پنجم قانون شرکت های تضامنی در ارتباط شرایط عقد شراکت چنین مشعراست:» (۱) شرکت ها (بشمول شرکت های تضامنی عام و خاص) مکلف اند شرایط آتی قرار داد شراکت را در سند کتبی ایکه بنام سند تحریری الزامی یاد می شود، ثبت نمایند:

۱ – تاریخ عقد قرارداد.

۲ – اسم، شهرت و آدرس هر یک از شرکاء و اگر شرکت دیگری به حیث شریک در شرکت داخل شده باشد، عنوان شرکت مذکور.

۳ – مرکز معاملاتی شرکت و نوع فعالیت آن.

۴ – نوعیت تضامنی شرکت.

۵ – عنوان شرکت.

۶ – اسامی شرکائیکه بنام شرکت منفرداً یا مشترکاً حایزصلاحیت تصرفات قانونی، باتصریح اینکه منفرداً یا مشترکاً صلاحیت امضاء را دارند.

۷ – حصه سرمایه را که هر یک تعهد کرده و قیمت های تخمینی قسمت سرمایه غیر نقدی با توضیح طریقه که این قیمت تخمینی صورت گرفته است.

۸ – حصه اشتراک هر شریک در نفع و ضرر.

انتخابات چیست؟...

.../ خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید.

۲– هرکس حق دارد که باتساوی شرایط، با مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

۳– اساس و منشا قدرت اراده مردم است، این اراده باید به وسیله انتخاباتی برگزار گردد که از روی صداقت و به طور ارادی صورت پذیرد . انتخابات باید عمومی (شفاف)و با رعایت مساوات باشد و با رای را مخفی و یا طریقه نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تامین نماید.

همچنان قانون اساسی کشور ما در رابطه به حق انتخاب کردن و انتخاب شدن چنین حکم می کند:

مطابق ماده سی و سوم « اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشد. شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می گردد»
قانون انتخابات شرایط انتخاب کننده را در مادهٔ سیزدهم چنین تصریح نموده است: «هر افغان واجد شرایط آتی می تواند در انتخابات ریاست جمهوری ، شورای ملی و شورا های ولایات و شورا های ولسوالی ها رای بدهد.»

۱– در زمان انتخابات سن ۱۸ سالگی را تکمیل نموده باشد.

۲– هنگام ثبت نام تابعیت افغانستان را دارا باشد .

۳– به حکم قانون یا فیصله دادگاه با صلاحیت از حقوق سیاسی و مدنی محروم نشده باشد.

۴– اسمش در فهرست ثبت نام رای دهندگان درج باشد.

همچنان در این ماده شرایط انتخاب شوندگان چنین بیان شده است: هرافغان واجد شرایط می تواند خود را در انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی و شوراهای ولایتی و ولسوالی ها نامزد کند.

۱– قاضی القاضیان اعضای دادگاه عالی و دادستانی حین تصدی وظیفه نمی توانند در انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی، شوراهای ولایات و شوراهای ولسوالی ها خود را نامزد نمایند .

۲– منسوبین قوای مسلح (وزارت های دفاع ملی و

۹ – در صورتی که شرکت تضامنی عام یا خاص برای مدت محدود باشد، تاریخ انقضای آن.

(۲) علاوه بر شرایط مندرج فقره (۱) این ماده، شرکاء می توانند سایر مواد قرار داد شراکت را که مفید بدانند، در سند کتبی الزامی درج نمایند.»

قانون شرکت های تضامنی شرکت ها را در ماده سوم به اقسام ذیل تقسیم نموده است:

۱ – شرکت تضامنی عام.

۲ – شرکت تضامنی خاص.

۳ – شرکت تضامنی کار.

۴ – شرکت به اعتبار.

اما قانون مدنی عقد شرکت را به دو دسته تقسیم کرده است:

۱ – شرکت مفا وضه

۲ – شرکت عنان

شرکت مفاوضه آن است که دو یا چند شخص عقد شرکت را به اساس مساوات کامل میان شان منعقد می سازند. یعنی شرکاء در تصرف سرمایه، مفاد و خساره باهم مساوی باشند. در ماده ۱۲۱۹ قانون مدنی شرکت عنان را چنین تعریف کرده است :«شرکت عنان آن است که شرکاء در آن طوری موافقه نمایند که در تصرف سرمایه، مفاد یا خساره با هم متفاوت باشند.» به اساس تقسیم بندی قانون شرکت های تضامنی شرکت ها را ایجاب می کند که هر یک شرکت های تضامنی را از نظر قانون فوق الذکر مورد بحث قرار داده شود.

شرکت تضامنی عام:

در ماده بیست و یکم قانون شرکت های تضامنی شرکت تضامنی عام را چنین تعریف کرده است:» شرکت تضامنی عام شرکتی است که برای انجام معاملات اقتصادی و تجارتی بین دو یا بیش از دو شخص با مسؤولیت تضامنی ایجاب می شود. در صورتی که دارای شرکت تضامنی عام برای تأدیه تمام دیون شرکت کافی نباشد، هریک ازشرکاء مسؤول پرداخت تمام دیون شرکت تضامنی عام بوده و شریک یا شرکای که چنین

قروض را می پردازند، حق دارند مبالغ پرداخت شده اضافه از سهم خود از سایر شرکاء مطالبه نمایند.» از لابلای ماده فوق چنین بر می آید که شرکت تضامنی عام چند شخص محدود نمی باشد بلکه افراد زیاد شراکت کرده می توانند و همچنان اگر یک شریک پول بپردازد و سهم اضافه خویش را از دیگر شرکاء مطالبه کرده می تواند.

شرکت تضامنی خاص:

در ماده بست و دوم قانون شرکت های تضامنی شرکت تضامنی خاص چنین تعریف شده است: «شرکت تضامنی خاص شرکتی است که تحت عنوان مشخص مطابق احکام این قانون جهت انجام معاملات اقتصادی و تجارتی ایجاد می شود و در آن یک شریک یا بیشتر از آن دارای مسؤولیت غیر محدود (شرکای عام) و بقیه شرکاء با یک سرمایه معین (شرکای خاص) مسؤولیت محدود دارند. سرمایه شرکای که مسؤولیت محدود دارند، به سهام تقسیم شده می تواند.» فرق در میان شرکت تضامنی عام و خاص این است که مسؤولیت های افراد شرکت تضامنی عام غیر محدود می باشد اما مسؤولیت های شرکت تضامنی خاص محدود می باشد.

شرکت تضامنی کار:

قانون شرکت های تضامنی در ماده بیست و سوم شرکت تضامنی کار را چنین تعریف کرده است:» شرکت تضامنی کار، اتحاد دو یا بیش از دو شخص است که برای شخص دیگر کاری را انجام یا تعهدی را ایفا کنند. مفاد کار شرکت بین شان طبق موافقت شرکاء تقسیم گردد.» این نوع شرکت را قانون مدنی عقد شرکت در کار یا عمل تلقی نموده است در این نوع شرکت دو یا چند شخص عقد را طوری منعقد می سازند که کار را جمعاً انجام می دهند و اجرت را بین هم مساویانه تقسیم می کنند. تمام شرکاء در انجام عمل وکیل یکدیگر هستند، یعنی اگر یکی از شرکاء کار را انجام ندهد، صاحب کار از شریک دیگر تقاضا می کند. ضمناً اگر اجرت کار به یکی از آنها داده شود، صاحب کار بری الذمه می شود.

شرکت به اعتبار:

قانون شرکت های تضامنی در ماده بیست و چهارم شرکت به اعتبار را چنین تعریف کرده است:» شرکت به اعتبار، شرکتی است که در آن دو یا بیش از دو شخص به اساس اعتبار به خرید مال بصورت نسیه طوری موافقه نمایند که مال را فروخته، در مفاد و خساره شرکت سهیم می باشند و شرکاء هر کدام به اندازه حصه معین خود مسؤول می باشند.» این نوع شرکت از نظر قانون مدنی عقد شرکت وجوه نامیده شده است به این مفهوم که شرکاء کدام نوع سرمایه در دست خود ندارند ولی از شخص دیگری پول نقده یا مالی را به اساس اعتباری که دارند به دست می آرند و کار می کنند.

انحلال عقد شرکت:

عقد شرکت با انقضای مدت معین آن منحل می گردد. اما ادامه عقد با شرایط سابق با موافقه طرفین عقد جواز دارد. علاوه تا با انجام عملی که شرکت به منظور آن تأسیس یافته، با تلف شدن کل سرمایه شرکت یا حد اکثر آن طوریکه در بقای آن مفاد متصور نباشد، با مرگ یکی از شرکاء یا حجر او یا افلاس او، با خارج شدن یکی از شرکاء از شرکت بدون اطلاع قبلی، با موافقه تمام شرکاء به انحلال شرکت و به حکم محکمه با صلاحیت به انحلال شرکت منحل می شود. قابل تذکر است که موافقه شرکاء برای ادامه شرکت توسط ورثه شریک بعد از مرگ وی و ادامه شرکت درصورت مرگ، وقوع حجر یا ثبت افلاس یا خروج یکی از شرکاء جواز دارد. تصفیه و تقسیم اموال شرکت، بعد از انحلال آن، به اساس شرایط پیش بینی شده قانون صورت می گیرد.
قانون شرکت های تضامنی در ماده پنجاهم انحلال شرکت را در یکی از حالات ذیل منحل می داند:

۱ – انقضا ی میعاد معینه در عقد شراکت.

۲ – تحقق هدفی که شرکت به منظور آن تأسیس یافته است.

۳ – ا تلاف شدن کل سرمایه شرکت یا حد اکثر آن طوریکه در بقاء آن مفاد متصور نباشد.

۴ – فوت یکی از شرکاء یا وقوع حجر بر او به حکم محکمه یا ثبت افلاس وی.

۵ – خارج شدن یکی از شرکاء از شرکت در صورتی که مدت فعالیت شرکت نا محدود باشد، مشروط بر این که شریک اراده خود را مبنی بر خروج سه ماه قبل به اطلاع سایر شرکاء رسانیده باشد، در غیر آن، خروج او ناشی از غش یا بی موق دانسته می شود، مگر اینکه موافقه طوری دیگری صورت گرفته باشد.

۶ – موافقه شرکاء به انحلال شرکت.

۷ – حکم محکمه به انحلال شرکت.

۸ – افلاس شرکت به اساس حکم محکمه یا بنابر توافق شرکاء و طلبکاران شرکت مبنی بر این که شرکت به افلاس سوق داده شود.

معرفی معین وزارت عدلیه ...

.../ معرفی آقای حلیم به عنوان معین اداری وزارت عدلیه، پست جدید را برایشان تبریک گفته فرمودند: من آقای حلیم را نظر به سابقه طولانی که در وزارت عدلیه دارند و نظر به آشنایی که در بخش اداری و کارمندان این وزارت دارند، ترجیح دادم که دراین پست معرفی نمایم.

از طرف دیگردر کار های تقنین تاحدی من هم از نگاه وظیفه دخیل هستم، زیرا کار های تقنین یکبار به کمیته تقنین شورای وزرا فرستاده می شود ومورد بحث قرار می گیرد، که من هم عضو این کمیته می باشم. و بار دیگر به شورای وزرا میروم، یعنی بر علاوه اینکه آنها مرا در جریان کارهای خود قرار می دهند، دو بار دیگر من در جریان کارهای آنها قرار می گیرم، به همین خاطر میشود که یک اندازه کار های تقنین را به صورت مستقیم انجام بدهیم.

اما چون کارهای اداری زیاد است و رسیده گی به تمام آنها برای من مشکل است، به همین خاطر من آقای حلیم را که به کار های اداری آشنایی دارند، به این پست ترجیح دادم و من فکر میکنم که سایر روسا و مامورین با این تصمیم من موافق هستند.

متقابلاً آقای عدالت خواه معین اداری سابق وزارت عدلیه از تدویر این محفل تشکری نموده فرمودند: همان قسمیکه برای دوستان معلوم است ریاست تقنین وکامندان آن ریاست با معینیت اداری همکاری های خوب داشتند و در طول چندین سال اخیر قوانین متعددی را طی مراحل نموده و به شورای وزیران فرستاده اند. من از آنها و از رئیس سابق تقنین که معین اداری فعلی است تشکر می کنم و از بارگاه خداوند برای شان موفقیت های بیشتر خواهانم.

همچنان از تمام روسا و کارمندان وزارت عدلیه به خاطر همکاری هاییکه با معینیت اداری داشتند اظهار سپاس و تشکری مینمایم.

در اخیر آقای حلیم معین اداری جدید وزارت عدلیه، از اعتماد که نسبت به ایشان شده تشکری نموده فرمودند: همان قسمیکه از نام مامور پیداست، مامور یک شخص تحت امر است و تا زمانیکه در سیستم خدمات ملکی و در سیستم اداره افغانستانکار می کند، هر امریکه از طرف مقام های ذیصلاح صورت گیرد موجب تعمیر است.

از اعتماد که وزیر صاحب بالای من کرده اند، گرچه برادران که در این پست کاندید شده بودند مستحق بودند و من واقعا آنها را مستحق تر میدانم که باید درین پست میبودند ولی به هر حال چون لزوم دید جناب شما و منظوری مقام ریاست جمهوری درین رابطه بود، من از حسن نیت و اعتماد که بالای من شده اظهار سپاس وتشکری مینمایم.

ودیعت ...

/ ... از سوی ودیعت گیرنده یا امین قبض و تسلیم شده و یا در تصرف وی عملاً قرار داشته باشد.

ودیعت عقد جایز است:

ودیعت عقدیست جایز و رضایی، پس مالک و امین هر کدام می توانند و هر وقت و زمانی که اراده نمایند عقد ودیعه را فسخ نمایند. اما از بین رفتن عقد و فسخ ودیعت بدین مفهوم نیست که طرفین عقد متذکره از بار مسوولیت ناشی از اجرای تعهدات شانه خالی نمایند. تا هر زمانی که عقد بر هم نخورده است طرفین ملزم به انجام تعهدات ناشی از عقد ودیعت بوده و عقد مزبور پا بر جا است همانطوریکه امین و مالک با هم در عقد ودیعت توافق و تراضی نموده اند مکلف به رعایت آن هستند. به طور مثال امین نمی تواند به بهانه فسخ عقد، مالی را که از شخصی به امانت (ودیعت) گرفته است به حال خود رها نماید یعنی بدون اینکه به انجام تعهدات خود و یا تراضی که با مالک نموده متعهد باشد. و یا مالک تعهدی که هنگام عقد ودیعت نموده است از آن سر پیچی نماید و یا آنچه را که وعده کرده است خلاف آنرا عمل کند. بلکه مفهوم و معنای جایز بودن عقد ودیعت این است که مالک هر وقت و زمان که بخواهد می تواند از امین مال خود را مطالبه نماید و امین هم می تواند مال امانتی مالک را به وی بر گرداند. همچنان امانتدار نیز حق دارد و هر وقت و زمان که اراده نماید از مالک بخواهد مال ودیعت گذاشته شده را دوباره به او مسترد گرداند.

Agahi Hoquqi

Publication organ for Ministry of Justice

آگاهی حقوقی

وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

قانونپال محمد نسیم «برنا» - رییس عمومی حقوق مرکز

دردانه فضالی

عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه آمانی، سید محمد رضا فخری و گلالی سنگر خیل عزیزی

کابل، وزارت عدلیه، ریاست عمومی حقوق مرکز، امریت آگاهی عامه حقوقی

موسی یوسفی yosefmosa@gmail.com

www.moj.gov.af پست الکترونیکی: agahi.hoquqi@gmail.com

21 August 2010

۳۰ اسد ۱۳۸۹

شماره ۵۸

سال چهارم

ودیعیت

قبل از وارد شدن به بحث، ابتدا مختصراً معلومات پیرامون امانت ارائه می نمایم. بعد مبحث ودیعه را پی می گیریم.

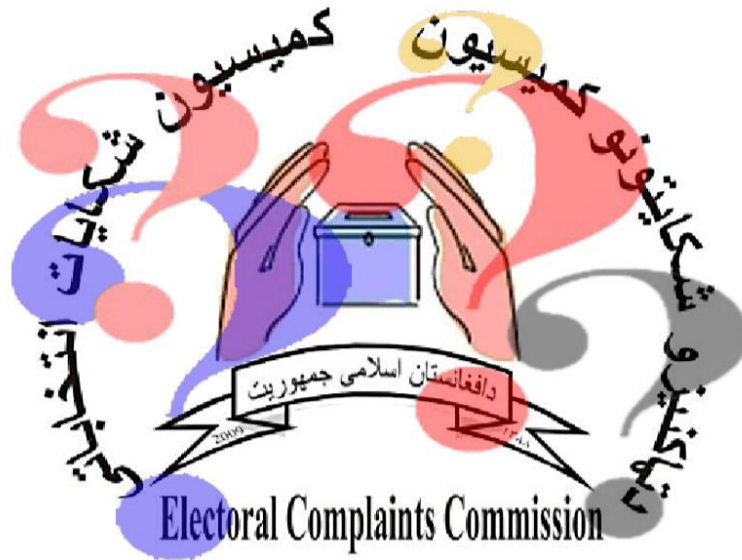
اساس و مبنای امانت دو قسم است یکی امانت مالکانه یا قرار دادی که در این نوع امانت مال به اختیار مالک به شخص دیگر سپرده می شود و رابطه طرفین تابع مفاد توافق و تراضی آندو می باشد.

ثانیا امانت قانونی یا شرعی است که مینا و اساس قرار دادی نداشته و مالک به رضایت خاطر آنرا در اختیار شخص متصرف نگذاشته است بلکه فرد به اشتباه و به این باور اند که مسؤلیت حقوقی دارد مال خود را به دیگری سپرده باشد. مانند لقطه (شی پیدا شده) و حیوان ضاله (حیوان گمشده).

ودیعت از جمله امانت مالکانه محسوب شده است زیرا مالک به اختیار خویش و در اثر عهد و پیمانی که با دیگری می بندد مال خود را به شکل امانت (ودیعت) به وی سپرده تا از آن نگهداری نماید. و آنچه که در ودیعت مهم می باشد دادن صلاحیت و نیابت در حفظ و نگهداری مال است که هدف نهایی و مقصود اصلی عقد بوده نه چیزی دیگر. بنا بر این قواعد عمومی مربوط به امانت و رابطه امین با امانت گذار، مسؤلیتهای نشئت گرفته از این رابطه و التزامات طرفین عقد در این بحث مطرح می شود که قرار شرح زیر می باشد.

در قانون مدنی:

ماده ۱۶۰۹ قانون مدنی در زمینه ذیلا صراحت دارد: ودیعت عقدیست که به موجب آن مالک صلاحیت حفظ مال خود را به دیگری تفویض می نماید. و مالیکه طوری امانت نزد شخص دیگری جهت حفاظت گذاشته می شود و دیعت نامیده می شود. چنانکه در ماده فوق گفته شد ودیعه عقد است پس برای بوجود آمدن این عقد قصد و اراده دو فرد لازم و ضروری است یکی از سوی مالک یا «مودع» که مالی را به امانت می گذارد و به امین در مورد نگهداری و حفاظت آن نیابت می دهد و دومی از سوی «مستودع» یعنی کسیکه نگهداری مال را بدوش گرفته و نیابت را قبول می کند. اگر مالکی حفاظت از مال خود را به شخص اجازه دهد ولی این اجازه موضوع قصد مشترک طرفین قرار نگیرد ودیعه به حساب نمی آید یعنی دو طرف در ایجاد عقد رضایت نداشته است و لو گیرنده اعتراض هم نکند و آنرا بپذیرد. بطور مثال مشتری وارد دوکان سلمانی (فردیکه مو را اصلاح می کند) جهت اصلاح مو می شود کروتی خود را به جا لباسی دوکان می آویزد و هنگام خروج از دوکان مزبور فراموش می کند که کروتی خود را بر دارد. در این صورت مشتری نمی تواند ادعا کند که عقد ودیعه بسته شده و گیرنده مال متعهد به نگهداری از آن می باشد. چنانچه ماده ۱۶۱۰ قانون مدنی کشور در مورد صحت عقد ودیعت چنین مشعر است: شرط صحت عقد ودیعت آنست که شی به ودیعت گذاشته شده بتواند و از طرف ودیعت گیرنده تحت تصرف و ذوالیدی آمده و قبض شده باشد. بنا بر این نظر به مواد فوق الذکر قانون مدنی متوجه شدیم که در انعقاد عقد ودیعت علاوه بر قصد و اراده مشترک طرفین این عقد زمان محقق می شود که مال متذکره هم .../ ادامه در ص ۳



و لازمی است: اصل اول زمینه مشارکت مردم در انتخابات و اصل دوم آزاد و شفاف بودن انتخابات که در این باب در بند ۳ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده است:

۱- هرکس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود،.../ ادامه در ص ۳

برنامه ریزی شده اجرا شود. روند برگزاری انتخابات پروسه برنامه ریزی شده است که شهروندان به طور منظم بخاطر برگزیدن نمایندگان و یا کاندید های مورد علاقه شان از حق سیاسی و حقوق اجتماعی شان استفاده کرده به پای صندوق های رای می روند. اما این روند مستلزم دو اصل اساسی

انتخابات چیست؟

می پردازند، انتخابات گویند. (۲) یا تعیین مقامات انتخاباتی در بعضی کشور ها مانند ایالات متحده امریکا از رییس جمهور گرفته تا فرمانداران ایالات و مقامات پولیس و قضایی و محلی ودر بعضی کشور های دیگر نظیر فرانسه انتخاب رییس جمهور نمایندگان پارلمان و انجمن شهرداری را انتخابات گویند.

با توجه به تعریف های فوق انتخابات را می توان چنین تعریف کرد: انتخابات مکانیزم با سیستم ترتیبی است که مردم در چارچوب مقررات آن نمایندگان پارلمان، شوراهای و دیگر نهاد های انتخاباتی و همچنان رییس جمهور را انتخاب می کنند و هدف از مکانیزم مرتب روند برگزاری و چگونگی برگزار شدن پروسه مذکور است، و یا به بیان دیگر روند ترتیب و نحوه ی برنامه و پروگرام را گویند که برنامه در دوران اجراء باید طبق نحوه

انتخابات که از رایج ترین واژه سیاسی در جوامع دموکراتیک است از کلمه عربی «انتخاب» با افزودن پسوند جمع مونث سالم عربی «ات» گرفته شده که معنی برگزیدن را به زبان دری میدهد. انتخابات ممکن است که مستقیم و یا غیر مستقیم باشد. این اصطلاح مترادف واژه انگلیسی (election) است که از لحاظ ریشه شناسی از کلمه لاتین «elute» گرفته شده است و بمعنی گزیدن نمایندگان است و نخستین بار صد سال قبل از میلاد در یونان تجربه شد یا انتخابات (electoral system) عبارت از ترتیبی که در یک کشور به موجب قوانین و نظامنامه انتخابات خاص برای انتخابات ارگان های انتخابی و تعیین نتایج ورای گیری مقرر گردیده است. (۱) و یا عمل حقوقی و شهروندی که شهروندان یک کشور با انجام آن به انتخابات نمایندنده یا نمایندگان

وقف

تبع و نگارش: گلالی سنگر خیل عزیزی

و در صورتی که از وقف خود رجوع نماید ورثه اش آن را به میراث هم می برد پس بنا بر نظر امام صاحب وقف را چنین تعریف کرده می توانیم:

«وقف عبارت است از حبس غیر لازم از ملک واقف و صدقه نمودن به منفعت آن به منزله عاریت است.»

نظر امام مالک وپارانش این است که عین موقوفه در ملک واقف قرار داشته که بیع، هبه، توریث آن ممنوع می باشد واین رای نسبت به وقف به اولاد و غیره درست می آید. مگر به نسبت وقف به مساجد مطابقت ندارد، زیرا بیوت الله یا مساجد در ملک کسی در آمده نمی تواند، فلهدذا بعضی ها به این نظر هستند که وقف مساجد اسقاط ملک است.

در فقه اسلامی نظر دیگری نیز وجود دارد که ملکیت اعیان موقوفه به وقف علیهم انتقال می کند که ملکیت ناقص و غیر تام باشد.

زیرا افراد موقوف علیهم حق بیع، گروی و هبه عین موقوف را ندارند و نه آن را به ارث برده می تواند مگر به شرط و اجازه واقف.

یعنی عین موقوف به ورثه موقوف علیهم به طور ملک تام از طریق میراث انتقال پیدا نمی کند بخاطری اینکه اگر انتقال به طور ملک تام صورت گیرد دیگر افراد موقوف علیهم با وجود اینکه مستحق به شرط واقف هستند از وقف محروم می شوند.

مشروعیت وقف

مشروعیت وقف به اساس قرآن و سنت ثابت می باشد. از لحاظ قرآن از اینکه وقف یک نوع صدقه است و به اساس آیات قرآن کریم ثابت است که انسان را به سوی نیکویی، خیر، انفاق در راه خدا (ج) و صلح رحمی حکم نموده است چنانچه آیه ۹۲ سوره آل عمران می فرماید: ترجمه «هرگز به نیکی نائل نمی شوید تا آنکه انفاق کنید از آنچه دوست دارید»

از لحاظ سنت:

احادیثی از رسول الله (ص) است که در مورد وقف و صدقات جاریه آمده است.

رسول الله (ص) فرموده اند: هنگامی که بنی آدم بمیرد اعمال او از وی قطع و جدا می شود به جز از سه چیز: صدقه جاریه، علم نافع و مفید و.../ ادامه در ص ۲

تعریف وقف:

وقف در لغت به معنی حبس عین از تصرف مالکانه است و در اصطلاح طبق ماده ۳۴۳ ق.م.ا «وقف عبارت از حبس مال از تصرف مالکانه و بذل منفعت آن به امور خیریه».

بنابر این سوالی که مطرح می گردد این است که آیا مال موقوفه که فقط به منفعت آن تصدق صورت نمی گیرد از کیست؟ آیا واقف می تواند در ملکیت موقوفه تصرف نماید یا خیر؟

حسب مالی که انتفاع از آن با بقای عین آن ممکن باشد و صرف منفعت آن به امور خیریه جهت تقرب جستن به خداوند (ج) می باشد که به موجب آن واقف و غیره نمی تواند در مال تصرف نماید. پس مال از ملکیت واقف خارج می شود و محبوس در ملکیت خدا می گردد. که این حبس مانع تصرف واقف در مال موقوفه می شود که به اساس آن واقف ملزم به تبرع منفعت آن به امور خیریه می گردد.

فقها در مورد نظریات ذیل را دارند:

۱- قول مشهور در مذهب امام ابوحنیفه (رح) که قول صاحبین (امام ابویوسف و محمد رحمت الله علیه) هم است که ملکیت عین موقوفه در صورت لزوم وقف از واقف زایل و به خداوند (ج) به شکلی وقف می گردد که منفعت آن به بندگان ارتباط می گیرد. پس عین موقوفه نه بفروش می رسد، نه هبه می شود، نه دیگر تصرفات در آن صورت می گیرد. بنا بر نظر فوق وقف را چنین تعریف نمود

وقف عبارت است از حبس عین از تعلق گرفتن به ملک و گردانیدن آن در حکم ملک خداوند (ج) و تصدق به ثمرات و منفعت آن در راه خیر در حال و آینده.

گرچه امام ابو حنیفه (رح) «چنین نظر دارد که وقف عبارت است از حبس عین در ملکیت واقف و صدقه و تبرع نمودن و منفعت آن بر فقرا و وجوه خیر است، چه در حال و یا آینده، مگر امام صاحب به این نظر هم هست که حبس عین به نسبت واقف لازمی نیست. یعنی بنا بر نظر امام صاحب، موقوف از ملک واقف خارج نمی شود و واقف حق دارد که هرگونه تصرف در وقف نماید از قبیل فروش، هبه و غیره تصرفات شرعی

عقد شرکت از دیدگاه قانون

عقد شرکت یکی از بخش های مهم حقوقی مدنی بوده و این موضوع هم از نظر عملی و هم از نظر علمی واجد اهمیت فوق العاده است. از نظر عملی عقد شرکت مبنای معاملات روزانه است که افراد با انعقاد عقد شرکت مختلف مرتباً و متقابلاً متعهد می شوند و قبول مسؤلیت می کنند. به همین مناسبت قانون شرکت باید جوابگویی شرایط زندگی معاصر و نیازمندی های نوین اقتصادی باشد. و همچنان از نظر علمی نیز عقد شرکت هسته مرکزی حقوق مدنی از لحاظ بخش های مختلفی که قانون جدید شرکت های تضامنی و قانون شرکت های سهامی و محدود المسؤلیت در موردش بحث گسترده کرده است از جایگاه خاصی برخوردار می باشد. در گذشته قانون مدنی در ارتباط این موضوع تذکر داده است. اما سایر خواسته های مختلف عقد شرکت را احتوا نمی کرد و جامع و فراگیر این موضوع نبود.

بناءً به منظور تحقق و فراگیری همه ابعاد شرکت ها به تاسی از حکم ماده (۷۹) قانون اساسی افغانستان قانون شرکت های تضامنی به اساس مصوبه شماره (۳۵) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵ بدخل (۷) فصل و (۱۸۴) ماده تصویب گردید. و همچنان قانون شرکت های سهامی و محدود المسؤلیت بدخل (۱۵) فصل و (۱۱۴) ماده تصویب گردید.

شرکت در لغت به معنی شریک شدن و هم دست شدن با یکدیگر در کاری است. در ماده دوم قانون شرکت های تضامنی شرکت را چنین تعریف کرده است: «شرکت اتحاد دو یا بیش از دو شخص است که به اساس عقد شراکت به حیث مالکین مشترک، به منظور کسب مفاد ایجاد و فعالیت می نماید.»

عقد شراکت:

در ماده چهارم قانون شرکت های تضامنی عقد شراکت چنین تعریف شده است: «عقد شراکت توافق است میان شرکاء در مورد شرکت چه تحریری باشد یا شفاهی و ضمنی به شمول تعدیلات بعدی در آن. این عقد تأثیری بالای حقوق اشخاص ثالث ندارد، مگر اینکه شخص ثالث قبل از آن از اجرای معامله با شرکت آگاه باشد.» و قانون مدنی افغانستان .../ ادامه در ص ۳